



## کشته شدن عمر بن خطاب به دست فیروز ابو لؤلؤی

عمر بن خطاب بن نفیل، مکتی به ابو حفص، چهل سال پیش از هجرت، در مکه معظمه به دنیا آمد و پس از ظهور اسلام، در سال های قریب به هجرت، مسلمان شد و در زمره یاران پیامبر(ص) درآمد.

### کشته شدن عمر بن خطاب به دست فیروز ابو لؤلؤی ایرانی در سال 23 هجری قمری

عمر بن خطاب بن نفیل، مکتی به ابو حفص، چهل سال پیش از هجرت، در مکه معظمه به دنیا آمد و پس از ظهور اسلام، در سال های قریب به هجرت، مسلمان شد و در زمره یاران پیامبر(ص) درآمد. وی، دخترش حفصه را به عقد ازدواج رسول خدا(ص) درآورد و از طریق او، خود را به آن حضرت نزدیک کرد.

وی با این که در واقعه غدیر خم شاهد معرفی حضرت علی(ع) به جانشینی رسول خدا(ص) بود و به همین جهت نخستین فردی بود که با علی(ع) به ولایت بیعت کرد و به وی تبریک گفت، ولی پس از رحلت پیامبر(ص) مهمترین عنصر غصب خلافت از امیر مؤمنان(ع) و انحراف آن به صحابه سالخورده ای چون ابوبکر بن ابی قحافه به شمار می آمد و از این راه، زمینه دست یابی خویش به خلافت پس از مرگ ابوبکر را مهیا کرد.

به هر روی، وی به مدت ده سال و نیم برمسند خلافت اسلامی تکیه زدو در این مدت به مناطق شام، مصر، عراق و ایران لشکر کشی نمود و فتوحاتی نصیب مسلمانان کرد و تغییراتی در زمام داری و تشکیل ادارات و دیوان ها به وجود آورد. تا اینکه در ذی حجه سال 23 هجری قمری به دست فیروز ابولؤلؤی ایرانی کشته شد.

ماجرای قتل وی از این قرار است که مغیره بن شعبه، عامل عمر بن خطاب در کوفه، به هنگام باز گشت به مدینه منوره، یکی از اسیران ایرانی نژاد به نام فیروز و مکنی به ابو لؤلؤ را که فردی کاردان و توانمند بود به همراه خویش به مدینه برد ولی در آنجا به وی ستم می کردو برای انجام کارهای زیاد و متحمل کردن وظایف سنگین، وی را تحت فشار قرار می داد.

فیروز در نزد عمر بن خطاب از ستمگری و زور گویی مغیره بن شعبه شکایت کرد، ولی عملاً ترتیب اثری داده نشد و مغیره به اعمال روش های غیرانسانی خویش ادامه می داد. فیروز بار دیگر در نزد عمر بن خطاب مغیره شکایت کرد و عمر به جای دلجویی و یا پشتیبانی از وی، از مغیره حمایت کرد و به فیروز گفت: با آن همه کارهایی که از تو بر می آید، این مقداری که مغیره بر تو واجب کرده است چیز زیادی نیست. وانگهی من شنیده ام که تو می توانی آسیاب بادی بسازی، اگر برای من چنین کاری انجام دهی به تو پاداش نیکو دهم و بگویم که بر وظیفه ات بکاهند .

فیروز گفت: آری من می توانم آسیاب بادی بسازم و برای تو نیز آسیابی بسازم که آوازه آن به شرق و غرب عالم برسد!

عمر بن خطاب، به اطرا فیان خود گفت: این غلام ایرانی مرا با این سخنانش تهدید کرده است. به همین لحاظ ، عمر بن خطاب از سوی فیروز دلهره داشت و پیشاپیش وصیت کرد و امر خلافت را بر عهده شش تن از معروف ترین صحابه پیامبر (ص) گذاشت.

سر انجام در بیست و هفتم و یا در بیست و ششم ذی حجه، مورد هجوم متهورانه فیروز ابولؤلؤ قرار گرفت.

گویند ابو لؤلؤ سه ضربه و به روایتی شش ضربه کاری بر عمر وارد ساخت و از مسجد گریخت، چندین نفر در پی او دویدند که دستگیرش کنند، نتوانستند و سیزده نفر از تعقیب کنندگان، به دست ابو لؤلؤ زخمی شده که شش تن از آنان، جان باختند و سر آخر وی را دستگیر کرده و پیش از آن که اسیرش کنند، خودکشی کردو به قولی از دست آنان گریخت و به ایران آمد.

هم اکنون، در کاشان مقبره ای است که منصوب به فیروز ابولؤلؤ ایرانی است .

به هر حال، عمر بن خطاب بر اثر آن ضربات، و فات یافت.

باز ماندگان عمر بن خطاب که از کشته شدن وی به دست یک ایرانی بسیار ناراحت و خشمگین بودند، بی مهابا اتباع ایرانی مقیم مدینه را مورد تاخت و تاز خویش قرار دادند. گویند عبيدالله پسر عمر بن خطاب در این اقدام غیر اسلامی و غیر انسانی، سه تن از

ایرانی نژاد را صرفاً به جرم رابطه و مراوه پیشین با فیروز ابولؤلؤ، دستگیر و بدون اثبات هیچ جرم و گناهی آنان را کشت و این سه تن عبارت بودند از: هرمزان، جفینه و دختر ابولؤلؤ.

پس از قتل عمر بن خطاب، بنا به توصیه وی و یک جانبه گری های عبد الرحمن بن عوف، رئیس شورایی شش نفره منصوب عمر، خلافت به عثمان بن عفان رسید و امام علی(ع) بار دیگر از دستیابی به خلافت اسلامی محروم ماند.